

شکوفائی "قوة عمل"

مجموعه‌ای از مستخرجات از آثار مبارکه امر بهائی

تهیه شده به وسیله

دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم

مرکز جهانی بهائی

فهرست:

الف - ابتکار فردی و نظم اداری بهائی
گزیده‌هایی از دستخط مورخ ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از
محافل روحانی ملی

ب - بررسی و مطالعه مواضع

- ۱ - "... روح عبودیت نسبت به خداوند" - اهمیت ابتکار فردی
- ۲ - "... حس مشارکت" - فرد و محفل
- ۳ - "... قوة عمل" - نقش تشکیلات امریه
- ۴ - "... جو و فضای محبت و وحدت" - نقش جامعه بهائی

الف - ابتکار فردی و نظم اداری بهائی

مستخرج از دستخط مورّخ ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم به یکی از محافل روحانی ملّی

... اهمّیت نظم اداری بهائی عبارت از ارزشهای آن در خدمت به عنوان راهنمای ظهور و حفظ حیات جامعه به شیوه و سبکی کاملاً جدید، و در تمهید نیازهای روابط روحانی است که از محبّت و وحدت در میان یاران نشأت می‌گیرد؛ و به خصوصیت بارز حیات بهائی اشاره دارد که چنین روابطی روحانی پرورش می‌دهد، یعنی روح عبودیت نسبت به خداوند، که در خدمت به امرالله، به یاران و به کلّ عالم انسانی ظهور و بروز می‌نماید. نگرش فرد به عنوان یک عبد و خادم، نگرشی که به طریقی بارز و برجسته در حیات و شخص حضرت عبدالبهاء به منصّه ظهور رسیده، عبارت از تکاپو و تحرّکی است که در فعالیت‌های امر مبارک رسوخ می‌نماید و قوه جمعی متحوّل کننده‌ای در فعالیت عادی جامعه کسب می‌کند. در این رابطه، تشکیلات امریه مانند مجاری جهت ارتقاء این خصوصیت چشمگیر و برجسته عمل می‌کند. در این چارچوب، مفاهیم حاکمیت و رهبری، مرجعیت و اقتدار به طور صحیح درک شده تحقق می‌یابد.

ظهور یک جامعه متّحد، خودکفا و دارای اساس و مبنای محکم باید هدف اصلی یک محفل روحانی باشد. چنین جامعه‌ای، متشکل از عضویتی منعکس کننده کثرت و تنوعی از شخصیت‌ها، استعدادها، توانایی‌ها و علائق، نیازمند میزانی از تعامل داخلی بین محفل و فرد می‌باشد. در این تعامل حسّ مشارکتی که مبنی بر درک حیطة عمل مشخص و متمایز یکدیگر است، کاملاً شناخته و همیشه حفظ می‌شود، و دوگانگی و اختلاف، به هیچ صورت بین، این دو بروز نمی‌کند. در چنین جامعه‌ای، رهبری عبارت از تجلّی خدمتی است که به وسیله آن، محفل روحانی افراد را به استفاده از استعدادها و توانایی‌هایی که به جامعه عنایت شده است فرا می‌خواند و آن را مورد تشویق قرار می‌دهد، و عوامل متنوع و گوناگون جامعه را به فعالیت واداشته به سوی اهداف و تدابیری هدایت می‌کند که به وسیله آنها تأثیرات یک قوه منسجم و منطقی برای ترقّی و پیشرفت، قابل تحقق می‌باشد.

حفظ جوّ محبّت و وحدت عمده مبنی بر عواطف میان افرادی است که جامعه را تشکیل می‌دهند؛ جامعه‌ای که محفل روحانی بخشی از آن است؛ جامعه‌ای که تعامل‌های تعاونی آنها با آن هیأتی که از سوی خداوند مقرر و مقدر شده است، آزادی عمل نسبتاً خوبی برای ابتکارات اعطاء می‌نماید؛ و این که کیفیت روابط آنها، هم با آن تشکیل و نیز با سایر احاد احباء، روح تهوّر و شهامتی را که در اثر آگاهی نسبت به هدف انقلابی و متحوّل کننده ظهور حضرت بهاءالله، وقوف بر امتیاز متعالی مرتبط بودن با مجهوداتی که به تحقق این هدف مساعدت می‌کند، و مسرت دائمی منتج از آن، ایجاد شده، تشویق و تشجیع می‌نماید. در چنین جوّی، جامعه متحوّل می‌شود و از این که صرفاً مجموعه‌ای از اجزاء باشد، به اتخاذ یک شخصیت کاملاً جدید به عنوان موجودیتی تحوّل می‌یابد که درون آن، اعضایش بدون از دست دادن شخصیت بی‌بدیل و منحصر به فرد خود، به نحو متناسبی تلفیق می‌یابند. امکاناتی که چنین تحوّل را به ظهور می‌رساند مستقیماً و بلاواسطه در سطح محلّی وجود دارد، اما مسئولیت عظیم محفل روحانی ملّی است که شرایطی را فراهم آورد که آنها بتوانند در آن شکوفا شوند و رشد نمایند.

اختیار هدایت امور امرالله در سطح محلّی، ملّی و بین‌المللی از سوی خداوند به تشکیلات انتخابی عنایت شده است. اما، قوه ایفای وظائف جامعه، در وهله اولی در اختیار احاد احباء است. اقتدار و مرجعیت

تشکیلات یک ضرورت قطعی برای ترقی عالم انسانی است؛ استفاده از این اقتدار یک هنر است که باید در آن مهارت و استادی یافت. قوه عمل در آحاد اجزاء در سطح ابتکار فردی شکوفا می شود و در سطح اراده جمعی موج زده ازدیاد می یابد. این قوه جمعی و گروهی، این ترکیب قوای مکنون فردی، به طور بالقوه، به شکلی انعطاف پذیر وجود دارد که در مقابل واکنش های متعدّد افراد نسبت به تأثیرات گوناگونی که در جهان فعال هستند، آسیب پذیر است. برای تحقق متعالی ترین هدفش، این قوه باید خود را با طرُق منظم فعالیت بروز دهد. اگرچه افراد ممکن است تلاش کنند با ادراک شخصی خود از متون مقدّسه الهی به هدایت اعمال و رفتار خود بپردازند، و البته به این وسیله توفیق زیادی می توانند حاصل نمایند، اما چنین اقداماتی، اگر با هدایت کلی تشکیلات تام الاختیار تعدیل نشوند، قادر به وصول به نیروی محرّکه لازم جهت پیشرفت بدون قید و بند مدیّت نخواهند بود.

ابتکار فردی از وجوه شاخص و ممتاز این قوه است؛ بنابراین مسئولیت عظیم تشکیلات عبارت از صیانت و برانگیختن آن است. به همین قیاس، واجد اهمیّت است که افراد این نکته را دریابند و بپذیرند که تشکیلات باید به عنوان عامل مؤثر هدایت کننده و تعدیل کننده در پیشروی تمدّن عمل کند. از این لحاظ، این امر الهی را، که افراد باید از تصمیمات محافل خود اطاعت نمایند، می توان به وضوح به عنوان شرط لازم و انفکاک ناپذیر در پیشرفت جامعه مشاهده کرد. مسلماً، افراد را نباید در مورد تمهیدات و تدابیر خود در خصوص رفاه کلّ جامعه به حال خود رها کرد، و نیز نباید آنها را با اتخاذ یک حرکت استبدادی از سوی اعضاء تشکیلات در اختناق قرار داده سرکوب نمود.

اعمال موفقیت آمیز اقتدار و مرجعیت در جامعه بهائی بر تشخیص حقوق و مسئولیت های مجزّا بین تشکیلات و یاران به طور اعم دلالت دارد، که این حقوق و مسئولیت ها متقابلاً یکدیگر را تقویت می نمایند. این تشخیص به نوبه خود به نیاز به تعاون و تعاضد بین این دو قوه تعاملی و ارتباطی جامعه اشاره دارد. همانطور که حضرت ولی امرالله توصیه فرموده اند، "افراد و محافل، اگر مایلند با کفایت تامّ وظایف و مسئولیت های خود نسبت به امر الهی را ایفا نمایند، باید بیاموزند که هوشمندانه به تعاون و تعاضد بپردازند. چنین معاضدتی بدون اعتماد و اطمینان متقابل امکان پذیر نیست."^(۱)

و اما در خصوص نگرانی شما در خصوص کنترل بیش از حدّ یاران؛ با درک ماهیت قوه عملی که آنها دارا هستند، شما می توانید برآورد کنید که چگونه به بهترین وجه آنها را هدایت و راهنمایی کنید. آزادی عمل زیادی باید به آنها اعطاء گردد، که به معنای آن است که فرجه زیادی برای اشتباهات نیز باید به آنها داده شود. محفل روحانی ملی شما و محافل روحانی محلی نباید در مقابل هر اشتباه به طور غیر ارادی عکس العمل نشان دهند، بلکه باید بین نفوسی که با گذشت زمان خود را اصلاح می کنند و ضرر خاصی برای جامعه ندارند و نفوسی که نیاز به مداخله محفل دارند، تمایز قائل شوند. نکته دیگر در این رابطه تمایل یاران به انتقاد کردن از یکدیگر با اندک عمل تحریک آمیز است؛ در حالی که تعالیم مبارک از آنها می خواهد یکدیگر را تشویق نمایند. چنین تمایلاتی البته در اثر عشق عمیق به امر مبارک، یعنی میل شدید به مشاهده امرالله عاری از هر نقص و عیبی، ایجاد می شود. اما افراد بشر کامل نیستند. با سرمشق قرار دادن خود و با نصایح مشفقانه باید به

محافل محلی و احباء کمک کنید تا از چنین انتقاداتی اجتناب نمایند، چه که این انتقادات جامعه را از رشد و توسعه باز می‌دارد.

... در این برهه از تاریخ که اهل عالم تحت فشار معضلات جانکاه قرار دارند و سایه یأس و نومیدی نور امید را به مخسوف شدن تهدید می‌کند، باید حس رسالت، احساس قدرت یافتن برای خدمت به نیازهای مبرم عالم انسانی به هدایت، در میان احاد احباء احیاء گردد و به این ترتیب در حیطه حیات خود به فتوحاتی برای امر مبارک نائل گردند. کل جامعه باید به مجهوداتی جهت حل چنین موضوعی بپردازد. البته، در حالی که علائق و عوامل گوناگون بسیاری در جامعه وجود دارد، یک جواب به تنهایی کفایت نخواهد نمود. این مسائل مستلزم نه تنها مشاورات مستقل خودتان بلکه مشورت با مشاورین نیز خواهد بود. اگرچه محافل روحانی در تعیین اهداف مهارت دارند، اما هنوز از مهارت لازم در هنر استفاده از استعداد افراد و برانگیختن جمع یاران به عمل جهت تحقق چنین اهدافی برخوردار نیستند. رفع این نقص فی نفسه نشانه به بلوغ رسیدن این مؤسسات است...

حال زمان آن فرا رسیده است که احباء از چنین فرصتهایی برای اتساع نطاق و تأثیر امرالله استفاده کنند تا به سطح جدیدی از اقدام در توسعه جامعه و تقویت اساس و شالوده‌های آن واصل گردند. فی الواقع اکنون زمان برای اقدام متهورانه بدون هراس از اشتباهات، و با توجه به فوریت خدمت به نیازهای مبرم جامعه فرا رسیده است.

ب - بررسی و مطالعه مواضع

۱ - "... روح عبودیت نسبت به خداوند" - اهمیت ابتکار فردی

از آثار حضرت بهاءالله

قوموا علی خدمة الامر فی کل الاحوال انه یؤیدکم بسطانِ کان علی العالمین محیطاً (کتاب اقدس، بند

۷۴)

لیس هذا امر تلعبون به باوہامکم و لیس هذا مقام یدخل فیہ کلّ جبان موہوم تالله هذا مضمار المکاشفة و الانقطاع و میدان المشاهدة و الارتفاع لایجول فیہ الا فوارس الرحمن الذین نبذوا الامکان اولئک انصارالله فی الارض و مشارق الاقتدار بین العالمین. (کتاب اقدس، بند ۱۷۸)

جهد کن که شاید نفسی را بشریعة رحمن وارد نمائی این از افضل اعمال عند غنی متعال مذکور و بشانی بر امر الهی مستقیم باش که هیچ امری تو را از خدمتی که بآن مأموری منع ننماید، اگرچه من علی الارض بمعارضه و مجادله برخیزند. مثل اریاح باش در امر فائق الاصباح چنانچه مشاهده مینمایی که اریاح نظر بمأموریت خود بر خراب و معمور مرور مینماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون و نظر بمأموریت خود داشته و دارد احباء حق هم باید ناظر باصل امر باشند و بتبلیغ آن مشغول شوند، لله بگویند و بشنوند. (الوح مبارک خطاب به شیخ سلمان، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۸)

يسأل الخادم همّة من كلّ ذى همّة ليقوم على اصلاح البلاد و احياء الاموات بماء الحكمة و البيان، حبّاً لله الفرد الواحد العزيز المَنَّان. (لوح مقصود، دریای دانش، صفحه ۲۶)

از آثار حضرت عبدالبهاء

باید ... جمیع یاران و دوستان بالاتفاق بنشر نفعات الله و تبلیغ امرالله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند؛ دقیقه آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند، در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند، دقیقه نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند ... در این ایام اهمّ امور هدایت ملل و امم است. باید امر تبلیغ را مهم شمرد، زیرا اسّ اساس است. این عبد مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید، دقیقه آرام نیافت تا آنکه صیت امرالله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد. یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند. اینست شرط وفا و اینست مقتضای عبودیت آستان بهاء. حواریون حضرت روح بکلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و ترک سر و سامان کردند و مقدّس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الارض پرداختند تا جهان را جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و بی پایان زندگانی در ره آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر یک در دیاری شهید شدند. فَبِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ. (الواح وصایا، ایام تسعه، صص ۴۶۶-۴۶۵)

بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممدود گردد زیرا تأیید الهی موكول بر آن. اگر نفسی بجان و دل در نهایت همّت كمر بر تبلیغ امرالله نبندد البتّه از تأیید ملكوت ابهی محروم ماند ولی باید که بحکمت باشد و حکمت اینست که بمدارای الهی و محبّت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید، نه این که بصمّت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید. خلاصه احبّای الهی را فرداً فرداً بتبلیغ امرالله تشویق نمائید که حکمت مذکوره در کتاب نفس تبلیغ است ولی بمدارا تا تأییدات الهیه احاطه نماید و توفیقات صمدانیه رفیق گردد. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۸)

پس ای یاران الهی جهدی بلیغ نمائید و سعی شدید کنید تا موفق بعبودیت جمال قدیم و نور مبین گردید و سبب انتشار انوار شمس حقیقت شوید ...
انفاس حیات را صرف امری عظیم کنید و مدّت زندگانی را حصر در خدمت نور مبین نمائید تا عاقبت گنج روان ملکوتی بدست آرید و از زیان و خسران برهید. زیرا حیات بشر جمیع در خطر اطمینان بقا در دقیقه نه ... پس شب و روز آرام نگیرید و راحت نجوئید، راز عبودیت گوئید و راه خدمت پوئید تا بتأیید موعود از ملكوت احدیت موفق گردید. (همان مأخذ، صص ۲۶۱-۲۶۰)

از توایع حضرت ولی امرالله

تبلیغ امرالله و نشر نفعات الله و ابلاغ حقائق روحانیه و دفاع از مصالح عالیّه امریه و اثبات علویّت

و حَقَائِیت کلمهٔ جامعهُ رحمانیّه باقوال و اعمال، همچنن اثبات لزومیت محضه و قدرت و قوّت کامله و عمومیت و جامعیت تامّه قاطعهٔ شریعهٔ الله نباید در هیچ برهه‌ای از زمان و وظیفهٔ خاص و امتیاز مخصوص و منحصر مؤسّسات اداری امرالله، اعمّ از محافل روحانیّه و یا لجنه‌های مخصوصه تلقی گردد. بلکه باید جمیع در این وظیفهٔ عظیمه شرکت نمایند، هرچند اصل و نسبشان حقیر و تجاریشان محدود و بضاعتشان مزجاء و معلوماتشان یسیر و مشاغل و غوائلشان فوری و کثیر و محیط زیست و اقامتشان نامساعد و غیرمطلوب باشد. (ظهور عدل الهی، ص ۹۴)

هر یک از یاران امریک ... باید ... هر امری را که برای پیشرفت و استحکام نقشهٔ منظوره در حدود اصول و مبادی اداری امرالله مقتضی شمارد اقدام نمایند و هر طریقی را لازم دانند تعقیب کنند و در اجراء آن کمال سعی و اهتمام مبذول دارند ... در این سبیل احدی منتظر دستور نشود و مترصد تشویق مخصوص از طرف امناء منتخب جامعهٔ خویش نگردد، از هیچ مانعی که نزدیکان و هموطنان وی در راه تحقّق اهدافش فراهم سازند نهراسد و از انتقاد معاندین و اعتراض مفسدین و مغلّین افسرده و ملول نشود. (ظهور عدل الهی، ص ۱۰۶)

این مبارزهٔ روحانی شدید و مهمّ و در عین حال با شکوه و جلال بدون تردید در رتبهٔ اولی متوجّه فرد بهائی است که بالمآل سرنوشت کافّه جامعه به او منوط و مربوط است. فرد بهائی به مثابهٔ تار و پودی است که صفات و مشخصات جامعه بر روی آن نقش می‌بندد و همین فرد حلقه‌ای از حلقات لاتحصای سلسلهٔ عظیمی است که حال کرهٔ ارض را احاطه نموده و بالاخره همین فرد بهائی به منزلهٔ حجری از احجار بی‌شمار بنیانی است که حامل بنای جلیل نظم اداری، که در تمام نقاط عالم در حال ارتفاع است، بوده و استحکام اساس آن را تضمین می‌نماید. بدیهی است بدون معاضدت و همکاری صمیمانه و مستمرّ و کریمانهٔ این فرد بهائی هر اقدامی که از طرف هیئت امنای ملی جامعه آغاز و یا هر طرحی که از طرف ایشان تهیّه شود با عدم موفقیت مواجه خواهد شد و هرگاه این معاضدت و همکاری از طرف عموم افراد جامعه از وضع و شریف ابراز نگردد، امور امریه حتی در مرکز جهانی امرالله نیز دچار وقفه و رکود خواهد گردید و همچنین در صورتی که وسایل و وسائط کافی برای اجرای نقشهٔ تبلیغی حضرت عبدالبهاء فراهم نشود نوایای مقدّسه‌اش تحقّق نخواهد یافت و تصرّف و تأیید حضرت بهاء الله، شارع دیانت الهیه نیز از افرادی که بالاخره در این سبیل قیام ننموده و سهم خود را ادا نمایند سلب خواهد گردید. (حصن حصین شریعت الله، ترجمهٔ فؤاد اشرف، صص ۱۷۲-۱۷۱)

حضرت ولی امرالله معتقدند که اگر احبّاء در خصوص روابط خود با امر مبارک و نفوس کثیرهٔ غیربهائی که امیدوارند بر آنها تأثیر و نفوذ داشته باشند، با واقع بینی اندکی بیشتر تأمل و تعمق نمایند، امور را با وضوح بیشتر مشاهده خواهند نمود.

... شرایطی که عالم مستغرق در آن است، مواضع بسیاری را برای هر فردی مطرح می‌سازد. الیوم احدی از ملل یا امم را نمی‌توان یافت که به بحرانش مبتلا نباشد. مادّی‌گرایی، فقدان دیانت حقیقی و وجود قوای رذیله در طبیعت بشری که بالطبع به منصّهٔ ظهور می‌رسد، کلّ عالم را به مرز محتملاً اعظم بحرانی که تاکنون با آن مواجه بوده یا در آینده روبرو خواهد شد، رسانده است. بهائیان قسمتی از عالم

هستند. آنها نیز فشارهای عظیمی را که امروزه بر جمیع ناس، هرکس که باشند و در هر نقطه که سکونت اختیار کرده باشند، تحمیل می‌شود، احساس می‌کنند. از طرف دیگر، نقشهٔ ملکوتی الهی، که روش مستقیم فعالیت جهت تأسیس صلح و نظم جهانی است، بالا جبار به نقطهٔ مهم و خطیری از شکوفائی اش واصل شده است؛ به علت نیاز مبرم عالم، بهائیان، علیرغم تعداد قلیل، بضاعت مزجاة و شهرت و نفوذ نه چندان زیاد، مشاهده می‌کنند که برای ایفای مسئولیتی خطیر و عظیم فرا خوانده شده‌اند... هر یک از آنها باید ارزیابی نماید که جوابش چه می‌تواند باشد و چه باید باشد؛ احدی نمی‌تواند این ارزیابی را برای او انجام دهد... او کاملاً در می‌یابد که آنچه که از بهائیان خواسته می‌شود بغایت عظیم است، و آنها غالباً، در مقابل وظایفی که با آن مواجه هستند، احساس عدم کفایت، خستگی و شاید هراس می‌نمایند که امری طبیعی است. از طرف دیگر، آنها باید متوجه باشند که قدرت الهی می‌تواند مساعد و ممد آنها باشد و خواهد بود؛ آنها باید بدانند چون از این افتخار عظیم و امتیاز جسیم برخوردارند که به مظهر ظهور الهی در این یوم اقبال کرده‌اند، همین فوز عظیم مسئولیت اخلاقی خطیری نسبت به همنوعانشان را به عهده آنها نهاده است. (ترجمه - ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۶، محرّره از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از محافل روحانی ملی)

دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

آنچه که از الزم امور می‌باشد، آگاه کردن جمیع یاران به فوریت و لزومیت مبارزهٔ روحانی است تا هر یک از آنها سهم خویش از مسئولیت ابلاغ تعالیم مبارکه به جمیع عالم انسانی را به عهده بگیرند. مشارکت عمومی ... باید در تقدّم و پیشرفت باشد تا تمام قارّات، جمیع ممالک و جزایر کرهٔ ارض را فراگیرد. هر فرد بهائی، هر قدر به ظاهر حقیر یا فاقد قوهٔ بیان باشد، باید بر ایفای نقش خود به عنوان حامل پیام الهی مشتاق و مصمّم باشد. مسلماً، وقتی که در اطراف ما نفوس انسانی در اشتیاق نزول حقیقت، محبت و وحدت در این عالم هستند، چگونه مؤمن صادق می‌تواند سکوت اختیار کند و لسان به بیان نگشاید؟ (ترجمه - مورّخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹، مندرج در مجموعه پیامهای انگلیسی بیت‌العدل اعظم ۱۹۷۳-۱۹۶۸، صفحه ۳۴)

از یاران الهی دعوت می‌شود کلّ من دون استثناء، چه زن و چه مرد و چه پیر و چه برنا، قدم در میدان خدمت گذارند. چه که موفّقیت جامعه مرهون ابتکارات و مجهودات تبلیغی و مساعی فرد فرد یاران راستان است. احبّای الهی با ثبوت و رسوخ کامل در عهد و میثاق سبحانی و با تلاوت ادعیه و مناجات یومیّه و ترتیل آیات مقدّسه و جهد بلیغ در تفهیم سنن و تعالیم ربّانیّه و بذل همّت مداوم در ایجاد ترابط و تطابق حدود و احکام سماویّه با مسائل روزمرّه و با تخلّق باخلاق حسنه و صفات مرضیه در ظلّ نظم جهانی الهی می‌توانند در میدان تبلیغ به کسب موفّقیت‌های بیشتری نائل گردند. خلاصهٔ القول آن که، نصرت و پیروزی آئین یزدانی فقط و فقط منوط و مربوط به تحقّق یک امر است که مؤکداً از کلک اطهر مولای توانا حضرت ولی امرالله صادر گشته که می‌فرمایند (ترجمه) "به میزانی که حیات داخلی و خصوصیات فردی سالکین سبیل هدی آئینهٔ مجلّای شکوه و جلال مبادی و تعالیم امر

یوسف بهاء می‌گردد" (پیام رضوان ۱۹۸۸، صفحه ۴-۳) (۱)

تقاضای این مشتاقان به اقدام عاجل و مضاعف و مداوم برای اجرای جمیع جوانب نقشه سه ساله (۲)، در وهله اول متوجه فرد اهل ایمان در جمیع نقاط است، کسانی که به صریح بیان حضرت ولی امرالله "سرنوشت کل جامعه بهائی مالا به همت آنان موكول و معلق است." (ترجمه - پیام رضوان ۱۹۹۳، ص ۵)

۲- "... حس مشارکت" - فرد و محفل

آثار مبارکه حضرت بهاءالله

در جمیع امور باید به جبل مشورت متشبث شد ... مقصود از ما نزل من قلم الاعلی آن که مشورت باید به نحو اکمل در جمع اجباء مجری گردد چه که موجب آگاهی و بیداری و منشأ خیر و صلاح بوده و هست. (ترجمه)

آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

بر هر فردی واجب است هیچگونه اقدامی بدون مشورت محفل روحانی ننماید و البته باید قلباً و روحاً قرار محفل را مطیع و نسبت بآن منقاد باشند تا امور بأحسن وجه مرتب و منظم گردد و الا هر شخصی مستقلاً و برفق قضاوت خویش عمل خواهد کرد و امیال شخصی خود را متابعت خواهد نمود و سبب ضرر امرالله خواهد گشت. (نقل ترجمه از نظامات بهائی، ص ۵۵) (۳)

توابع منیعه حضرت ولی امرالله

آنها (اعضاء محفل روحانی ملی) باید یک مرتبه و برای همیشه مذاکرات، مشاورات و هدایت کلی

۱- بیان حضرت ولی امرالله که ترجمه‌اش در پیام معهد اعلی آمده در موارد دیگر چنین مشاهده شده است: "فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بلا تردید و به تنهایی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدس را تأمین کند و آن اینست که بینیم حیات و وضع و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه لمعان اصول جاودانی شریعت حضرت بهاءالله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس می‌سازد."

۲- در متن انگلیسی "سه ساله" وجود ندارد - م

۳- توضیح مترجم: قسمتی از این بیان در قرن بدیع نیز ذکر شده و لکن عبارت متفاوت است. این متن کلمه (ترجمه) را به دنبال ندارد و معلوم نیست اصل یا ترجمه می‌باشد. در قرن بدیع چنین آورده شده است: "باید کل بدون شور آن محفل در هیچ امری اقدام نمایند و البته باید اوامر محفل روحانی را بجان و دل بپذیرند و اطاعت کنند تا امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند."

امورشان را از جوّ درونگرایی و توداری، از اختفا و استتار، از جوّ اختناقِ جرأت و جسارتِ مستبدانه، و خلاصه‌القول، از هر قول یا عملی که رائحه تبعیض، غرض‌ورزی، خودمحوری یا تعصب از آن به مشام رسد، تطهیر نمایند. آنها، در عین حال که حقّ مقدّس و انحصاری اتّخاذ تصمیم نهائی را برای خود محفوظ نگاه می‌دارند، باید احبّاء را دعوت به مشورت نمایند، اطلاعات لازم را در اختیارشان گذارند، معضلات و مشکلات خود را با آنها مطرح سازند، و از هر گونه توصیه یا پیشنهادی از سوی حتی حقیرترین و بی‌اهمیت‌ترین اعضاء عائله بهائی استقبال نمایند، انگیزه‌های خود را آشکار سازند، نقشه‌های خود را به نظر آنها برسانند، دلایل موجه برای اقدامات خود اقامه نمایند، در صورت لزوم در احکام صادره خود تجدید نظر نمایند، حسّ وابستگی متقابل و شراکت، تفاهم و اعتماد دوجانبه بین خودشان از یک طرف و تمامی محافل محلی و آحاد احبّاء از طرف دیگر را پرورش دهند. (ترجمه - ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷، مندرج در صفحات ۱۴۴-۱۴۳ مجموعه پیامهای منتخب ۱۹۳۲-۱۹۲۲ موسوم به Baha'i Administration)^(۱)

اصل مشورت، که یکی از مقرّرات اساسی نظم اداری است، باید در تمامی فعالیت‌های امری که بر علائق جمعی امر مبارک تأثیر می‌گذارد مورد استفاده قرار گیرد، زیرا از طریق معاضدت و تبادل مستمر افکار و آراء است که امر مبارک به بهترین وجه صیانت می‌شود و علائقش را محفوظ نگاه می‌دارد. ابتکار فردی، توانائی و تدابیر فردی، اگرچه ضروری و حیاتی است، اما اگر با تجارب و حکمت جمعی گروه حمایت و تقویت نگردد، در ایفای چنین وظیفه عظیمی بالمرّه فاقد کفایت لازم می‌باشد. (ترجمه - ۳۰ اوت ۱۹۳۳، محرّره از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از آحاد احبّاء)

هیچ وظیفه‌ای مبرم‌تر و ضروری‌تر از اطمینان از اتّفاق و همدلی بین یاران، بالاخص بین محافل

۱- توضیح مترجم: دو بیان مشابه دیگر از حضرت ولی امرالله در نظامات بهائی مشاهده شد که ذیلاً نقل می‌گردد: (اعضاء محفل روحانی) "باید با کمال خضوع بوظائف خود قیام کرده با فکری روشن از روی نهایت انصاف و وظیفه‌شناسی و با صراحت و سادگی و با تعلق تامّ بمنافع و مصالح یاران و امرالله و عالم انسانی چنان همی نمایند که نه تنها مورد اطمینان و حمایت واقعی و احترام موکّین خود واقع شوند بلکه باید قدرشناسی و محبّت قلبی آنان را نیز جلب کنند. و باید در جمیع احوال از روح تفوّق و استکبار و روش استتار اجتناب نمایند و از رفتار تسلّط‌طلبی بیزار شوند و در مشاورات خود هر گونه تعصبات و امیال شخصی را کنار گذارند و با کمال تدبّر و حکمت احبّاء را محرم اسرار خود قرار داده طرح و نظریه خود را با آنها در میان نهند و مشکلات و معضلات خود را در حضور آنها مطرح سازند و از آنها استشاره و مصلحت‌جویی نمایند." (ص ۵۴-۵۳)

اعضای محفل روحانی ملی باید از روش استتار و استکبار و مضایقه از ابراز عقاید و افکار اجتناب ورزیده و نقشه‌ها و آمال و مشکلات خود را با کمال مسرّت و نشاط به نظر نمایندگان (انجمن شور ملی) برسانند ... محفل ملی ... باید طرق و وسائلی فراهم نماید تا حسن تفاهم ایجاد و موجبات تبادل آراء تسهیل و اطمینان و اعتماد ازدیاد یافته و از هر جهت ثابت نمایند که یگانه میل و آرزوی آنان همانا خدمت و کوشش در راه سعادت عموم است. چه بسا اتّفاق می‌افتد که پست‌ترین و بی‌سوادترین و بی‌تجربه‌ترین افراد احبّاء بر اثر خلوص و انقطاع صرف مؤیّد به الهاماتی می‌شود که می‌تواند در دقیق‌ترین مباحثات شرکت کرده و رأی و نظر صائب و ممتازی ابراز دارد. (ص ۱۲۳)

محلی و آحاد احبّاء نیست. محافل محلی باید اطمینان را در آحاد احبّاء القاء نمایند، و احبّاء نیز به نوبه خود باید آمادگی خود را برای اطاعت کامل از تصمیمات و هدایات محفل محلی اعلام کنند. این دو باید بیاموزند چگونه معاضدت و همکاری نمایند، و درک کنند که فقط با چنین معاضدتی، تشکیلات امر مبارک می‌توانند به طور مؤثر و مستمرّ فعالیت کنند. در عین حال آن هیأت باید تصمیمات خود را به نحوی تنفیذ کند که ابداً چنین تصوّری القاء نگردد که منشأ و مؤید این تصمیمات، انگیزه‌های مستبدانه بوده است. روح امر عبارت از معاضدت و همکاری متقابل است نه خودکامگی و استبداد. (ترجمه - ۲۸ اکتبر ۱۹۳۵، محرّره از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از آحاد احبّاء)

نفوسی که در این نهضت وسیع ... شریک و سهمیند ... باید متذکّر باشند که تماس نزدیک و مستمرّ با شعب و دواثری که مسئول اداره این امر عظیم و تنظیم و تسهیل فعالیت‌های تبلیغی جامعه در سراسر قاره‌اند، حائز نهایت اهمّیت و لزوم است. (ظهور عدل الهی، ص ۱۱۱)

دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

وحدت عالم انسانی اصل محوری ظهور آن حضرت است؛ لذا، جوامع بهائی باید در اثر ظهور و بروز این وحدت شهره خاصّ و عام شوند. در جهانی که، در اثر تفرقه و نفاق، و علائق گروهی، یوماً فیوماً متشتت‌تر و متفرّق‌تر می‌شود، جامعه بهائی باید با اتحاد و اتّفاق در روابط خود، متمایز گردد. درک عاقلانه، سنجیده و مسئولانه مسائل بشر و اداره خردمندانه امور توسط همین جوامع بهائی باید حاکی از بلوغ نژاد بشر باشد. اعمال و توسعه چنین خصوصیات و سجایای بهائی از جمله مسئولیت‌های افراد بهائی و نیز تشکیلات اداری است. (ترجمه - پیام نوروز ۱۹۷۴ خطاب به اهل عالم)

انجام صحیح و مطلوب وظائف و مسئولیت‌های این مؤسّسات به میزانی وسیع برکوشش اعضای آن مبتنی است که خود را با مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند آشنا سازند و در رفتار فردی و نیز در اجرای وظائف امری خود با دقّت بسیار به اصول و مبادی امر مبارک تمسّک جویند. در ارتباط با همین امر نکته مهمّ دیگر آن است که اعضای محافل باید با عزمی استوار بکوشند تا همه آثار بیگانگی و تمایلات فردی و تفرقه‌جویی را از میان بردارند و محبّت و پشتیبانی یارانی را که تحت حمایت خویش دارند به خود جلب کنند و تعداد هر چه بیشتری از افراد را در انجام وظائف امری سهم سازند. بدین ترتیب جامعه‌ای که به هدایت آن کمر بسته‌اند، با تلاش پی‌گیر آنان جهت بهبود کیفیت ایفای وظائف خود، نمونه حیاتی را جلوه‌گر خواهد ساخت که سبب کسب اعتبار برای امرالله خواهد شد و به عنوان نتیجه‌ای مطلوب، نور امید را در دل افراد اجتماع که روز به روز به نوامیدی می‌گرایند، از نو بر خواهد افروخت. (پیام رضوان ۱۹۹۳، ص ۴)

آثار مبارکه حضرت بهاء الله

قَدْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَدِينَةٍ أَنْ يَجْعَلُوا فِيهَا بَيْتَ الْعَدْلِ وَيَجْتَمِعَ فِيهِ النَّفْسُ عَلَى عَدَدِ الْبِهَاءِ وَإِنْ أزدَادَ لَا بَأْسَ وَ يَرُونَ كَأَنَّهُمْ يَدْخُلُونَ مَحْضَرَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى وَ يَرُونَ مِنْ لَا يُرَى وَ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَكُونُوا أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ بَيْنَ الْأَمْكَانِ وَ وَكَلَاءَ اللَّهِ لِمَنْ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّهَا وَ يَشَاوِرُوا فِي مَصَالِحِ الْعِبَادِ لَوْجَهَ اللَّهِ كَمَا يَشَاوِرُونَ فِي أُمُورِهِمْ وَ يَخْتَارُوا مَا هُوَ الْمُخْتَارُ. (كتاب اقدس، بند ۳۰)

از آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

وَ هَذِهِ الْمَحَافِلُ الرَّوْحَانِيَّةُ سُرُجٌ نَوْرَانِيَّةٌ وَ حَدَائِقُ مَلَكُوتِيَّةٌ يَنْتَشِرُ مِنْهَا نَفْحَاتُ الْقُدْسِ عَلَى الْأَفَاقِ وَ يَشْرِقُ مِنْهَا أُنْوَاژُ الْعِرْفَانِ عَلَى الْأَمْكَانِ وَ يَسْرِي مِنْهَا رُوحُ الْحَيَاتِ عَلَى كُلِّ الْجِهَاتِ وَ هِيَ أَعْظَمُ سَبَبٍ لِتَرْقِي الْإِنْسَانَ فِي جَمِيعِ الشُّؤْنِ وَ الْأَحْوَالِ. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۷۷، قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۶۷۲)

از توابع منیعة حضرت ولی امرالله

از جمله وظایف و امتیازات محافل روحانی ملی و محلی این است که ... هر تعهدی که به تقویت اموری که آنها هم خود را برای حصول آن مبذول نموده‌اند، با اطلاع و رضایت آنها شروع و هدایت گردد ... آنها باید، با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند، برای پیشرفت امور تبلیغی و اداری امرالله، روح تهوّر و شهامت را در میان یاران ترویج نمایند. آنها باید با تماس‌های شخصی و تقاضاهای کتبی، سعی جمیل مبذول دارند تا جمیع یاران وفادار مشحون از احساسی عمیق نسبت به مسئولیت شخصی گردند، و هر یک از احباء، اعم از شریف یا وضعی، غنی یا فقیر، را تشویق نمایند اقدامات و برنامه‌هایی را طرّاحی، تدوین و اجرا نمایند، که در نظر نمایندگان آنها، به قدرت و شهرت مطلوب این امر مقدّس منجر گردد. (ترجمه - ۲۰ فوریه ۱۹۲۷، مندرج در صفحه ۱۲۸ Baha'i Administration)

کار محفل روحانی باید بهره‌برداری از قوا، عشق و وفاداری موجود در میان یاران و هدایت آن در مجاری صحیحی باشد که از طریق آن فعالیت‌های صحیح صورت گیرد و ضرری به امرالله وارد نیاید. اولین شرط رهبری، در میان افراد و محافل، عبارت از استعداد استفاده از قوه و کفایتی است که در میان پیروان عادی امر مبارک وجود دارد. (ترجمه - ۳۰ اوت ۱۹۳۰، محرّره از قبل حضرت ولی امرالله به یکی از محافل روحانی ملی).

محفل روحانی ملی، و نیز تمام لجنات ملی، از تمامی پیشنهادهایی از این قبیل، که آحاد احباء احساس وظیفه می‌نمایند که برای فتح طرق جدید و اتخاذ روشهای بدیع برای انتشار و تحکیم امرالله باید تقدیم نمایند، استقبال می‌کنند. (ترجمه، ۴ ژوئن ۱۹۳۴ از قبل حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء)

وقتی محفل روحانی ملی، در فعالیت های خود و لجناتش، خدمات کافی، مطلوب و فوری تأمین می نماید، ظهور و بروز اشتیاق و شهامتی به مراتب اعظم از آن را از سوی احبّاء مشاهده خواهد کرد. (ترجمه - ۲۸ مارس ۱۹۴۵، از قبل حضرت ولی امرالله به یکی از محافل روحانی ملی)

لجنه شما باید جمیع احبّاء را به تبلیغ تشویق نماید، و سعی کند و مستمرّاً پیشنهادهای جدید و برانگیزنده جهت ارائه طرّقی که بتواند به احبّاء کمک کند، تدبیر نماید، زیرا حضرت ولی امرالله واقفند که تمام احبّاء با هوشیاری و دقّت نگران وضعیت جامعه هستند و هر یک از آنها مشتاقند نقش فعّالی در مقابله با موج مادّی گرایی، ناخشنودی و خودخواهی که عالم را در می نوردد، به عهده بگیرند. (ترجمه - ۳۰ دسامبر ۱۹۴۵، از قبل حضرت ولی امرالله خطاب به یک لجنه ملی تبلیغ)

... ایشان فکر می کنند محافل ملی باید قویّاً علیه این تمایل بارز دائمی جهت وضع قوانین و مقرّرات جدید، که به نظر ایشان غیرضروری و مضرّ می باشد، هوشیار باشند. بالمآل موجب تضعیف روح اشتیاق شده، خودانگیختگی احبّاء را به خمودت و جمودت مبدّل می سازد، و این تأثیر را به جای می گذارد که امر بهائی دارد به صورت اشکال ثابت متجلی می شود. باید اصولی وجود داشته باشد، امّا آنها را باید در هر موردی که پیش می آید با حکمت و درایت به کار برد، نه این که یک رشته قوانین برای جمیع مواردی که هنوز پیش نیامده و مطرح نشده، تدوین نمود. کلّ روح نظام حضرت بهاءالله این است: انطباق انعطاف ناپذیر با احکام عظیم اساسی، انعطاف پذیری و حتّی عنصر مشخص ضروری تنوّع و کثرت، در مواضع فرعی و ثانوی. (ترجمه، ۱۸ مه ۱۹۴۸، از قبل حضرت ولی امرالله به یک محفل روحانی ملی)

معضلات، و شواهد عدم بلوغ، که شما در مکتوب خود ذکر کرده اید، به نظر می رسد مرحله اجتناب ناپذیری از رشد نظام اداری ما باشد، که به مراتب کاملتر از آن است که از احبّاء خواسته شود آن را ایجاد کنند! لابدّ بر این است که سوء تفاهات بسیار و برخی سوء استفاده های کوچک، در ایجاد نظامی بسیار متفاوت با طرّقی که افراد بشر با آن مألوف و مأنوس هستند، وجود داشته باشد. امّا مادر به اشتباهات فرزندانش ناظر است و درک می کند که با وصول به سنّ بلوغ، فرزندان از استعداد بهره برداری بهتر از اوضاع و قضاوت صحیح تر در این موارد برخوردار خواهند شد. (ترجمه - ۲۳ اکتبر ۱۹۴۹، از قبل حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

هیكل اطهر امیدوارند محفل شما توجّه خاصّ و مداوم به تشویق احبّاء در امور تبلیغی معطوف دارد و ایفای وظایف آنها را تسهیل نماید. ایشان معتقدند، با تشکیل محافل روحانی جدید، لازم است هشدار دهند از قوانین و مقرّرات و مقیّد کردن احبّاء به فعالیت در محدوده تشریفات زائد اجتناب نمایند. افراط در تشریفات اداری در این برهه از زمان برای امر الهی به مراتب مضرت راز تفریط در این امور است. اکثر احبّاء در امر مبارک، نوپا و ناآزموده هستند و اگر مرتکب اشتباهی شوند آنقدر اهمّیت ندارد که با امر و نهی کردن مداوم روح آنها رنجیده و آزرده گردد. هیأت جدید امنای ملی باید مانند والدی مهربان باشد که از فرزندانش مراقبت نموده به آنها مساعدت می کند، نه این که مانند یک قاضی خشن و عبوس، مترصد

فرصتی باشد تا قوه والای قضائی را به منصه ظهور و بروز رساند...

به احباء باید مساعدت نمود تا بر مسائل خویش فائق آیند، در امر مبارک عمیق شوند، و وحدت و محبت خود به یکدیگر را تزاید بخشند. به این طریق شما در خواهید یافت که کار شما به سرعت پیشرفت می‌کند و این که هیأت ملی مانند ضربان قلبی سالم در میان جامعه است که محبت، انرژی و تشویق روحانی را به سوی جمیع اعضاء می‌فرستد. (ترجمه - ۳۰ ژوئن ۱۹۵۷، از قبل حضرت ولی امرالله خطاب به یک محفل روحانی ملی)

هیكل اطهر آن محفل را تشویق می‌فرمایند که همزمان با مبادرت به فعالیت عظیم خود، از تشبث به قوانین و مقررات اجتناب نمایند، زیرا در این زمان که جوامع کوچک و توسعه نیافته هستند، به هیچ هدفی خدمت نمی‌کند، و فقط روح احباء را دچار اختناق ساخته آنها را آشفته و حیران می‌سازد. محفل باید مانند والدی فرزانه و مهربان، امور احباء را هدایت کند، مستمراً و با بردباری آنها را تشویق نموده برای کارهایی که باید انجام شود شوق و اشتیاق را در آنها القاء نماید. (ترجمه - ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷، از قبل حضرت ولی امرالله خطاب به یک محفل روحانی ملی)

از دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

در این سطح محلی حیات جامعه بهائی، که اس اساس نظام اداری امرالله است، ما غالباً با فقدان قوت و کفایت مواجه می‌شویم. در همین سطح است که حضرت ولی محبوب امرالله اعضاء هیأت معاونت را تشویق فرمودند با محافل روحانی محلی، جمعیت‌ها، مراکز منفصل و آحاد احباء تماس برقرار کنند و با ملاقات‌های دوره‌ای و سیستماتیک با مناطق و نیز با مکاتبه با آنها به ترویج و ارتقاء مصالح نقشه کمک کنند، به تحقق مؤثر و فوری اهداف مساعدت نمایند، مراقب صیانت و امنیت امر مبارک باشند، برای کار تبلیغ و مهاجرت ایجاد انگیزه نموده آن را تقویت نمایند، اهمیت ابتکار، فداکاری و مساعی فردی را به احباء خاطر نشان سازند، و آنها را به مشارکت در فعالیت‌های امری و اتحاد تحت جمیع شرایط، تشویق و ترغیب نمایند. (ترجمه - ۱۷ نوامبر ۱۹۷۱ خطاب به هیأت‌های مشاورین قاره‌ای، مندرج در جزوه The Local Spiritual Assembly، فقرة ۱۱)

مؤسسه محفل روحانی محلی که توسط ذات الهی مقدر و مقرر شده است در اولین سطح جامعه بشری فعالیت می‌کند و واحد بنیادی نظام اداری در نظم جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله است. این مؤسسه با افراد و خانواده‌ها مرتبط است، که باید مستمراً آنها را به وحدت و اتحاد در یک جامعه ممتاز بهائی، که با حدود، احکام و اصول ظهور حضرت بهاء‌الله حیات یافته و محافظه شده است، تشویق و ترغیب نماید. محفل محلی امر الهی را صیانت می‌نماید و مانند شبان مهربان رمه بهائی عمل می‌کند. (ترجمه - پیام نوروز ۱۹۷۴ خطاب به بهائیان عالم)

زنان و دختران بهائی باید تشویق شوند که در فعالیت‌های اجتماعی، روحانی و اداری جوامع خود

نقشی را به عهده بگیرند. جوانان بهائی، که هم‌اکنون خدمتی نمونه و خالصانه در خط مقدم جنود حیات عرضه می‌کنند، باید تشویق شوند که، حتی موقعی که خود را برای خدمات آینده تجهیز می‌نمایند، برای خود نقشه‌های تبلیغی جهت ابلاغ امرالله به معاصرینشان طرح و اجرا کنند. (پیام رضوان ۱۹۸۴ خطاب به احبای عالم)

با توسعه و بسط در برخی از شئون افکار و اقدامات یاران، امکان حصول موفقیت بیشتری در مشروعات و تحدیات فوق‌الذکر فراهم خواهد گشت. چون تغییرات و تبدیلات هرچه سریعتر از آن از شئون حتمیه حیات در این اوقات است و از آنجا که تقدّم و پیشرفت جامعه بهائی و هیئت و شئون خارجی آن حوائج کثیره در بر دارد، لذا مقتضی آن است که خود را برای تطبیق با موازین لازمه آماده سازیم. به معنای دیگر، جامعه بهائی باید مجرب و قادر بر اتخاذ قرارات مناسب در شئون مختلفه باشد بی آن که جهت جامعه و تمرکز قوای خویش را در اهداف و مقاصد اصلیه امر تبلیغ که همانا توسعه و تحکیم است از دست دهد. فعالیت‌های جامعه باید جنبه وحدت در کثرت را حفظ نماید، به طوری که نفوس مختلفه قوای خود را متمرکز در شئون متفاوته نمایند و در عین حال اثرات نافع جمع را در پیشرفت امر الهی مدّ نر قرار دهند، چه که فی الحقیقه یک فرد از عهده انجام کلیه امور عاجز است و اجرای یک امر از برای کلیه افراد مجتمعاً میسر و ممکن نه. درک این مسئله از برای رشد و بلوغ جامعه که مُدام مرجع تقاضای نفوس قرار می‌گیرد، لازم و ضروری است. (پیام منبع بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان سراسر عالم، رضوان ۱۹۹۰، صفحه ۱۲)

آموزش احبّاء و تلاش آنان جهت کسب معلومات امری از طریق مطالعات مجدّانه فردی برای عمل به اصول امر مبارک و اداره امور آن، شرط لازم برای توسعه منابع انسانی است و این خود لازمه پیشرفت امر مبارک است. اما معلومات امری به خودی خود کافی نیست. ضروری چنان است که معلومات امری به نحوی ارائه شود که محبت و فداکاری به بار آورد و ثبوت بر عهد و پیمان را تقویت نماید و افراد یاران را به شرکت در خدمات امری و مبادرت به اقدامات متین جهت پیشبرد منافع آن برانگیزد. همچنین کوشش‌های ویژه‌ای که برای جذب افراد کاردان به امر مبارک صورت می‌گیرد، منابع انسانی مورد نیاز را فراهم خواهد ساخت. (پیام رضوان ۱۹۹۳ خطاب به احبای عالم، صص ۴-۳)

منابع انسانی امر مبارک به دو طریق افزایش می‌یابد. نفوس کاردان برانگیخته شده به امر مبارک اقبال می‌کنند و صفوف نفوسی را که هم‌اکنون در سبیل خدمت سالکند تقویت می‌نمایند... در سالی که در پیش داریم این دو جریان مکمل، یعنی جذب نفوس کاردان و ازدیاد توانائی‌های خودمان، باید از ترقی و تقدّم بیشتر برخوردار شود، اقدامات فردی و توسعه هماهنگ دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را برای ترویج امر مبارک برانگیزد.

با شکوفا شدن استعدادها و توانایی‌های بالقوه فردی، توانایی مؤسسات محلی و ملی بهائی برای پرورش کیفیت حیات جوامع مربوطه و طراحی و اجرای برنامه‌های سازنده فزونی خواهد گرفت. (ترجمه - پیام رضوان ۱۹۹۴ خطاب به احبای عالم)

آثار جمال مبارک

بکمال اتحاد و اتفاق جهد نمائید که شاید موفق شوید بآنچه سزاوار یوم الهی است. برستی می گویم فساد و نزاع و ما یکرهه العقول لایق شأن انسان نبوده و نیست. جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید. (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۲۹)

إِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَرَى كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَبْدَأَ كُلِّ خَيْرٍ وَمَشْرِقَ الصَّلَاحِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ آثَرُوا اخْوَانَكُمْ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فَانظُرُوا إِلَى هَيْكَلِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَنَّهُ أَنْفَقَ نَفْسَهُ لِإِصْلَاحِ الْعَالَمِ إِنَّهُ لَهُوَ الْمُتَنَفِّذُ الْعَزِيزُ الْمُنِيعُ إِنْ ظَهَرَتْ كِدُورَةٌ بَيْنَكُمْ فَانظُرُونِي أُمَامَ وَجُوهِكُمْ وَغَضَا الْبَصَرَ عَمَّا ظَهَرَ خَالِصاً لَوْجَهِي وَحِبّاً لَأَمْرِي الْمَشْرِقِ الْمُنِيرِ إِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَرِيكُمْ فِي كُلِّ الْإِحْيَانِ فِي جَنَّةِ رِضَائِي بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ وَنَجِدُ مِنْكُمْ عَرَفَ الْإِلَافَةِ وَالْوُدَادِ وَالْمُحِبَّةِ وَالْإِتِّحَادِ. (لوح خطاب به محمد مصطفی بغدادی، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۲۰۲)

اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم بزوح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است. طوبی از برای نفوسی که بحبل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضا فارغ و آزاد. (طراز دوم از لوح طرازات، مجموعه اشراقات، ص ۱۵۰)

قُلْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَعْمَلُوا مَا يَتَكَدَّرُ بِهِ صَافِي سُلْسِيلِ الْمُحِبَّةِ وَ يَنْقَطِعُ بِهِ عَرَفُ الْمَوَدَّةِ * لِعَمْرِي قَدْ خُلِقْتُمْ لِلْوُدَادِ لَا لِلضَّغِينَةِ وَ الْعِنَادِ * لَيْسَ الْفَخْرُ لِجَبِّكُمْ أَنْفُسَكُمْ بَلْ لِحَبِّ آبَاءِ جِنْسِكُمْ * وَ لَيْسَ الْفَضْلُ لِمَنْ يَحِبُّ الْوَطْنَ بَلْ لِمَنْ يَحِبُّ الْعَالَمَ * كُنُوا فِي الطَّرْفِ عَفِيفاً وَ فِي الْيَدِ أَمِيناً وَ فِي اللِّسَانِ صَادِقاً وَ فِي الْقَلْبِ مُتَذَكِّراً * لَا تُسْقِطُوا مَنْزِلَةَ الْعُلَمَاءِ فِي الْبِهَاءِ وَ لَا تَصْغُرُوا قَدْرَ مَنْ يَعْدِلُ بَيْنَكُمْ مِنَ الْأَمْرَاءِ * اجْعَلُوا جَنْدَكُمْ الْعَدْلَ وَ سِلَاحَكُمْ الْعَقْلَ وَ شِيَمَكُمْ الْعَفْوَ وَ الْفَضْلَ وَ مَا تَفْرَحُ بِهِ افْتِدَاةَ الْمُقْرَبِينَ. (لوح حکمت، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، صص ۳۸-۳۹)

آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

شب و روز بکوشید که نهایت اتحاد را حاصل نمائید و در فکر ترقیات روحانی خویش باشید و چشم از قصور یکدیگر بپوشید باعمال طیبه و حسن سلوک و خضوع و خشوع نوعی حرکت نمائید که سبب تنبّه سائرین گردد. عبدالبهاء ابداً دل کسی را آزوده نخواهد و سبب حزن قلبی نشود زیرا موهبتی اعظم از آن نیست که انسان سبب سرور قلوب گردد و من از خدا خواهم که مانند ملائکه آسمان سبب بشارت نفوس شوید. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۹۸)

ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خمودت و

جمودت نیارد اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشبیت. اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فائده‌ئی. آیا سبب رضایت جمال مبارک است، یا علّت عزّت ابدیّه احبّای الهی؟ آیا سبب ترویج دین الله است و یا علّت تثبیت میثاق الله؟ نفسی مستفید گردد و یا شخصی مستفیض؟ لا والله. بلکه چنان غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را بیند. ولی اگر نفسی بستایش دیگری پردازد و بمدح و ثنا لسان بگشاید مستمعین بروح و ریحان آیند و بنفحات الله مهتز گردند، قلوب را فرح و سرور آید و ارواح را بشارت احاطه کند که الحمد لله در ظلّ کلمه الهی نفسی پیدا شده که مرکز خصائل و فضائل عالم انسانی است و مظهر عواطف و الطاف حضرت رحمانی، رخی روشن دارد و زبانی ناطق در هر انجمن، روحی پرفتح دارد و جانی مؤید بنفحات حضرت رحمان. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، صص ۲۲۴-۲۲۳)

از توابع منیعه حضرت ولی امر الله

آنها نه صرفاً با تقلید از افراط و تفریط‌های عصر اسراف و مبالغه‌ای که در آن زندگی می‌کنند؛ نه با غفلت بیهوده از مسئولیتهای مقدّسی که افتخار به عهده گرفتنش را دارند؛ نه با عدول بلا ذکر و بیان از اصول مبارکی که آنقدر در نظر حضرت عبدالبهاء عزیز و ارجمند بود؛ نه با خوف یا عدم محبوبیت یا ترس از انتقاد و سرزنش می‌توانند امیدوار باشند اجتماع را از خمودت و جمودت روحانی اش خارج کرده برانگیزند و به عنوان سرمشق و مثالی برای مدّتی عمل کنند که اساس و بنیادش را فرسایش تعصّب تقریباً به تحلیل برده و تضعیف کرده است. با علوّ و سموّ اصولشان، با حرارت محبّشان، با تنزیه و تقدیس اخلاق و خصائلشان، و با شدّت و عمق زهد و اخلاصشان، می‌توانند واقعیت متعالی قوه‌ای را به هموطنانشان نشان دهند که می‌تواند جهانی متشّت و متفرّق را متحد سازد. تنها در صورتی می‌توانیم ثابت کنیم که لیاقت و ارزش این امر مبارک را داریم، که سلوک و رفتار فردی و حیات اجتماعی ما به نحوی مجدّانه متأثر از سرمشق و مثال حضرت مولی‌الوری باشد، مولای محبوبی که خوف از ظلم و جور، طوفان خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌های لاینقطع، فشار توان‌فرسای تحقیر و توهین ابداً نتوانست رأس شعری آن حضرت را از شریعت الهی حضرت بهاء الله منحرف سازد. (ترجمه - ۱۲ آوریل ۱۹۲۷، مندرج در صفحات ۱۳۱-۱۳۲ Baha'i Administration: Selected Messages 192201932)^(۱)

۱- شاید این بیان حضرت ولی امر الله نیز مفاهیم فوق را تا حدّی منتقل نماید: "عالم انسانی با تحمل مصائب و ابتلائات با کمال سرعت بسوی سرنوشت خود پیش می‌رود. اگر ما سهل‌انگاری کنیم و بوظیفه خود عمل ننمائیم شکی نیست از دیگران خواسته خواهد شد بفریادهای متضرّعانه این دنیای مصیبت‌زده کمک و توجه نمایند؛ نه با کثرت نفرات و نه با ارائه اصول و مبادی تازه و گرانقدر و نه با تشکیل یک جهاد تبلیغی هر قدر عالمگیر و جامع‌الاطراف باشد و حتی نه با تمسک بدیانت و حدّ شوق و ذوق و شدّت ایمانی، نخواهیم توانست امیدوار باشیم در انظار مردمان عصری متعصّب و شکاک ادّعای فخر ظهور بهائی را به ثبوت برسائیم. فقط و فقط یک موضوع می‌تواند بلا تردید و به تنهائی مظفریت بیچون و چرای این امر مقدّس را تأمین کند و آن اینست که بینیم حیات و وضع و صفات و سجایای خصوصی ما تا چه درجه لمعان اصول جاودانی شریعت حضرت بهاء الله را در جلوه‌های گوناگون آن منعکس می‌سازد."

حضرت ولی امرالله مایلند شما تمام مساعی خود را برای تزاید روح وحدت و معاضدت در میان یاران و نیز تشویق احبّای جوان به تماس بیشتر با نسل متقدّمین از احبّاء مبذول دارید تا از طریق این معاضدت هماهنگ، امر مبارک فرصت توسعه و پیشرفت بیشتری پیدا کند. امر مبارک محتاج تجارب و نیز درایت سالمندان و نیز اشتیاق و نیروی جوانان است. وقتی که تمام این خصوصیات در کمال هماهنگی و وفاق ترکیب و تلفیق شود نتایج عظیمه به بار آید و ثمرات فخریه حاصل شود. (ترجمه - ۸ اوت ۱۹۳۳، از قبل حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء)

احبّاء باید نسبت به ضعفها و اشتباهات یکدیگر بردبار و صبور و همواره آماده عفو و نسیان گذشته باشند، زیرا عدم اتفاق، به هر علت که باشد، مطمئناً مانع رشد و اعتلاء جامعه می شود. (ترجمه - ۲۶ سپتامبر ۱۹۴۳، از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احبّاء)

جمع احبّاء، اعم از قدیم و جدید، باید حتی المقدور خود را وقف تبلیغ امرالله نمایند؛ آنها باید این نکته را نیز دریابند که جوّ محبت و وحدت حقیقی که در داخل جامعه بهائی به منصفه ظهور می رسانند مستقیماً بر عامه ناس تأثیر می گذارد و اعظم جاذبه برای جلب نفوس به امر الهی و تحکیم و اطمینان آنها خواهد بود. (ترجمه - ۴ آوریل ۱۹۴۷، از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یک محفل روحانی محلی)

یکی از اعظم مسائل امرالله عبارت از روابط احبّاء با یکدیگر است؛ زیرا عدم بلوغ آنها (که بقیه عالم انسانی نیز در آن شریکند) و نقائص ایشان باعث تعویق و تأخیر کارها، ایجاد معضلات و مشاکل، و مأیوس کردن یکدیگر می شود. ما باید این مسائل را تحمل کنیم، سعی و تلاش نمائیم و با محبت، صبر و اصطبار، عفو و بخشش فردی و اقدامات صحیح و مناسب اداری جمعی، با این غوائل مبارزه کنیم. (ترجمه - ۲۶ مارس ۱۹۴۳، از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احبّاء)

وقتی که انتقاد و کلمات نالایقه در جامعه بهائی به میان آید، هیچ علاج و درمانی برای آن متصور نیست مگر آن که گذشته را کنار بگذاریم و تمامی نفوسی را که مرتبط با آن هستند تشویق و ترغیب نمائیم اعمال و رفتار خود را اصلاح نمایند و زندگی جدیدی را در پیش بگیرند، و لاجل رضای الهی و حفظ وجهه امر مبارکش از متذکر شدن مواضعی که به سوء تفاهم و ناهماهنگی منجر می شود بالمزه احتراز نمایند. هرچه یاران بیشتر به مجادله و مشاجره بپردازند و هر یک از طرفین حق را به جانب خویش بدانند، کلّ وضعیت وخیم تر خواهد شد.

وقتی وضعیت امروز جهان را مشاهده می کنیم، مطمئناً باید این ناراحتی ها و آشفتگی های بی اهمیت و ناچیز داخلی را به نسیان بسپاریم و در کمال اتحاد برای نجات عالم انسانی بشتابیم. شما باید سایر احبّاء را تشویق و ترغیب نمایید این نقطه نظر را اتخاذ نمایند، و در مجهوداتی که برای متوقف کردن تمام افکار انتقادی و ممانعت از کلمات خشن و ناشایست مبذول می دارید از شما حمایت نمایند، تا روح حضرت بهاء الله در تمامی جامعه سرّیان یابد و با محبت و خدمت به آن حضرت، وحدت جامعه

محفوظ و مصون ماند. (ترجمه - ۱۶ فوریه ۱۹۵۱، از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء)

دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

در هر نقطه‌ای که جامعه‌ای بهائی حضور دارد، اعم از آن که بزرگ یا کوچک باشد، باید با حسّ سرمدی و لایزال امنیت و ایمان، موازین و معیارهای عالی صحّت عمل، آزادی کامل از جمیع تعصبات، روح محبّت در میان اعضا، و بافت متحد و یکپارچه حیات اجتماعی اش، مشار بالبنان و متمایز از همگنان باشد. امتیاز بارز بین این جامعه و اجتماع امروزه مسلماً علاقه و توجّه روشنفکران را بر خواهد انگیخت، و با شدّت گرفتن ظلمت یأس و حرمان جهان، نور حیات بهائی تابان‌تر و درخشان‌تر خواهد تابید تا لمعان آن بالمآل توده‌های نومید و مأیوس را مجذوب خود سازد و آنها را به ملجأ و ملاذ میثاق حضرت بهاءالله داخل کند، چه که فقط حضرت بهاءالله می‌توانند برای آنها صلح، عدالت و حیاتی منظم به ارمغان آورند. (ترجمه - پیام اوت ۱۹۶۸ خطاب به کنفرانس اقیانوسی، پالمو، سیسیل، مندرج در Wellspring of Guidance: Messages 1963-1968، صفحه ۱۴۷)

... احباء باید به یکدیگر عشق بوززند، یکدیگر را مستمرّاً تشویق نمایند، با هم کارکنند، چون روح واحد در جسم واحد گردند، و به این طریق هیکلی حقیقی، تشکّل یافته و سالم گردند که به وسیله روح از حیات و روشنی برخوردار گشته است. در چنین هیکلی، همه سلامت روحانی، و نشاط و سرزندگی را از نفس آن هیکل دریافت خواهند کرد، و زیباترین ازهار و کامل‌ترین اثمار را به منصّه ظهور خواهند رساند. (ترجمه - سپتامبر ۱۹۶۸، مندرج در صفحه ۳۹ مأخذ پیشین)

جامعه بهائی ... جامعه‌ایست بصورت یک واحد زنده و متحرک که مظهر تنوع خانواده انسانی است و آموزش را با نظامی مقبول بر اساس اصول مشورت اداره می‌نماید و نیز از فیوضات هدایت الهی که در تاریخ بشری جاری گشته مستفیض می‌گردد. وجود جامعه بهائی در حدّ خود دلیل مثبت دیگری است که آنچه مؤسس بزرگوارش درباره وحدت عالم انسانی از قبل بیان فرموده امری است قابل اجرا و شاهد دیگری است بر این که عالم انسانی با وجودی که با مشکلات عدیده ناشی از رسیدن به مرحله بلوغ مواجه است باز قادر است که در یک جامعه جهانی متحد زندگانی نماید. اگر تجربه بهائی بتواند بنحوی از انحاء در افزایش امید بشر در ایجاد وحدت عالم انسانی کمک و مساعدتی معنوی بنماید ما با کمال منت و سرور آن را به عنوان نمونه و مثال برای تحقیق و مطالعه جهانیان بر طبق اخلاص می‌نهمیم. (اکتبر ۱۹۸۵ خطاب به اهل عالم - وعده صلح جهانی، صفحه ۳۶)

دارالانشاء معزز و معظّم

توقیراً در ترجمه مطلبی که فقره‌ای از کتاب گاد پاسز بای را نقل کرده بود، با عدم تطابق برخی از عبارات مواجه شدم. تصوّر این عبد بر آن قرار گرفت که شاید در تجدید طبع کتاب مزبور میل معهد اعلیٰ به تصحیح این فقرات باشد. اگرچه بر ضیق اوقات ذیقیمت آن عزیزان واقفم، لاجل ادای وظیفه به تحریر این مکتوب تصدیع اوقات شما گردید:

در صفحه ۲۱۱ کتاب قرن بدیع طبع کانادا، که ترجمه صفحه ۹۶ گاد پاسز بای می‌باشد و به برخی از آیات کتاب قرآن کریم استناد شده، به نظر این عبد چند عبارت باید تصحیح گردد:

۱- Day of Judgement که به "یوم‌القیامة" ترجمه شده باید به "یوم‌الدّین" اصلاح گردد.

۲- Day of Reckoning که به "یوم‌الدّین" ترجمه شده، باید به "یوم‌الحساب" تصحیح شود.

۳- "the Day wherein account shall be taken" که به "یوم‌الحساب" ترجمه شده، باید به "یوم یقوم‌الحساب" اصلاح شود.

۴- در سطر ماقبل آخر بعد از "... لربّ العالمین" عبارت "تری کلّ امة جائیة" بالمره حذف شده که باید افزوده گردد.

با عرض محویت و فنا

فاروق ایزدی‌نیا

دارالانشاء معزز و معظّم

توقیراً در ترجمه مطلبی که فقره‌ای از کتاب گاد پاسزبای را نقل کرده بود، با عدم تطابق برخی از عبارات مواجه شدم. تصوّر این عبد بر آن قرار گرفت که شاید در تجدید طبع کتاب مزبور میل معهد اعلیٰ به تصحیح این فقرات باشد. اگرچه بر ضیق اوقات ذیقیمت آن عزیزان واقفم، لاجل ادای وظیفه به تحریر این مکتوب تصدیق اوقات شما گردید:

در صفحه ۲۱۱ کتاب قرن بدیع طبع کانادا، که ترجمه صفحه ۹۶ گاد پاسزبای می‌باشد و به برخی از آیات کتاب قرآن کریم استناد شده، به نظر این عبد چند عبارت باید تصحیح گردد:

۱- Day of Judgement که به "یوم‌القیامة" ترجمه شده باید به "یوم‌الدّین" اصلاح گردد.

۲- Day of Reckoning که به "یوم‌الدّین" ترجمه شده، باید به "یوم‌الحساب" تصحیح شود.

۳- "the Day wherein account shall be taken" که به "یوم‌الحساب" ترجمه شده، باید به "یوم یقوم الحساب" اصلاح شود.

۴- در سطر ماقبل آخر بعد از "... لربّ العالمین" عبارت "تری کلّ امة جائیة" بالمره حذف شده که باید افزوده گردد.

با عرض محویت و فنا

فاروق ایزدی‌نیا